سوء مدیریت پسماند در استان‌های شمالی مشهود است

زباله؛ آفت طبیعت شمال

گروه اجتماعی

حادترین جلوه سوء مدیریت پسماند، در طبیعت استان‌های شمالی دیده می‌شود و بیش از دو دهه از غار دفن زباله‌ها در جنگل‌های ایران می‌گذرد و با وجود هشدارهای پیاپی کارشناسان دولتی و غیردولتی در کشور نسبت به خطرات دفن غیراستاندارد زباله در جنگل‌ها هنوز هم این روند ادامه دارد. آلودگی خاک و در پی آن، آلوده شدن آب و هوا و نفوذ شیرابه‌ها، موجب آلودگی سفره‌های آب زیرزمینی و چشمه‌ها شده و خطری پنهان را برای رویشگاه‌های طبیعی رقم زده است. این در حالی است که سرعت اقدامات از میزان تولید زباله و پیامدهای وخیم آن عقب مانده است. به گواه بررسی‌های کارشناسی، برنامه دقیقی برای چگونگی مدیریت پسماند وجود ندارد و حتی اولویت‌ها در این حوزه نامشخص است. مسئولان ذیربط نمی‌دانند زباله‌ها را بسوزانند یا بازیافت کنند و یا چند درصد زباله‌ها باارزش است و چند درصد بی‌ارزش و در برابر این موارد اطلاعات و پاسخ روشنی ندارند.

به گواه برآوردهای آماری سال ۱۳۹۹ که در رسانه‌ها منعکس شده، «سرانه تولید زباله روزانه در استان‌های شمالی بیش از ۶ هزار تن است که با توجه به پذیرش گردشگر این رقم به مراتب بیشتر است، هر تن زباله ۳۰۰ تا ۵۰۰ لیتر شیرابه تولید می‌کند، بر این اساس سرانه تولید شیرابه جمعیت فعلی استان‌های شمالی کشور دو میلیون و ۸۰۰ هزار لیتر است، هر میلی لیتر شیرابه حاوی ۱۰۰ میلیون باکتری بیماری زا و عامل انتقال ۱۱۸ نوع بیماری حاد است.»

حال اینکه خوراک و نوشیدنی اصلی ایرانیان یعنی برنج و چای در استان‌های شمالی کشت می‌شود، بیش از ۹۰ درصد آب این استان‌ها از سفره‌های زیرزمینی تامین می‌شود و بالا بودن سطح آب زیرزمینی و همزمان حجم زیاد زباله شهری دفن شده موجب نفوذ شیرابه‌ها تا عمق ۱۵۰ متری زمین و آلودگی منابع آبی شده است که بی‌توجهی و تداوم شیوه فعلی دفن زباله‌های موجود و شیرابه‌های حاصله به زودی تبدیل به یک بحران جدی خواهد شد.

مجید پیروی، عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل با ابراز مشکل پسماند و شیرابه زباله‌ها در جنگل‌های ایران می‌گوید: «برای نمونه شرح می‌دهد: «نوار شمالی کشور، دارای جمعیت شناور بسیار زیادی است و در بعضی از فصول سال به علت پذیرش گردشگر، جمعیت شناور افزایش می‌یابد و به همین دلیل کنترل و مدیریت پسماند با مشکل مواجه می‌شود. از طرفی ظرفیت سایت‌هایی که برای جمع‌آوری پسماند در نظر گرفته شده محدود است و افزایش پسماند، مازاد بر ظرفیت سایت‌ها، ناهماهنگی ایجاد کرده و فرآیند جمع‌آوری، امحا و تصفیه را با محدودیت مواجه می‌کند. موضوع بعدی این است که در مناطق شمالی متوسط بارش سالیانه ۲۵۰ میلی متر است که بخشی از زباله‌ها را محتی اگر خشک هم باشد، به زباله تر تبدیل می‌شود و این موضوع، فرآیند تصفیه را محدود و پیچیده می‌کند. این را هم باید در نظر داشت که اساسا در مناطق شمال کشور چندان زمین خالی نداریم و شهرداری‌ها قدرت مانوری برای دفع ندارند. به عبارت بهتر زمین‌ها به واسطه قرارگیری در کنار جنگل، کوه و دریا ارزشمند هستند. اگر بناست مکانی را برای دفع و امحا به شیوه کمپوست و یا سوزاندن پسماند اختصاص دهیم، حتما باید منطقه‌ای را برای دیود نظر بگیریم. در غیر این صورت، آلودگی‌های خاصی را به دنبال داشته و قیمت زمین‌های اطراف تحت الشعاع قرار می‌گیرد. شما دقت کنید در اطراف تهران، اصفهان، مشهد و یا تبریز، زمین‌های خالی زیادی وجود دارد که متعلق به ارگان یا شخص خاصی نیستند. اما در مازندران با نبود زمین خالی مواجهیم. یعنی زمین‌ها یا متعلق به سازمان جنگل‌ها و مراتع است، یا متعلق به ارگان‌های دیگر و یا شخصی است. متأسفانه در مورد بسیاری از لندفیل‌ها پروتکل‌های اعلامی از سوی سازمان حفاظت محیط زیست رعایت نشده است چراکه زمین خالی وجود ندارد. از سوی دیگر در استان‌های شمالی حتی اگر تفکیک زباله به درستی آموزش داده شود، مردم ساکن شاید همراهی کنند اما گردشگران عمدتا به دنبال سفر راحتی هستند و عملا در یک قسمت هایی؛ زباله‌ها یمان تفکیک نمی‌شود و این موضوع، مشکلات بعدی را در جمع‌آوری و امحا بوجود می‌آورد، به این ترتیب در طول سالیان متوالی این قضیه انباشته شده و از یک چالش در حال تبدیل به یک معضل بزرگ است.»

پیروی در ادامه عنوان می‌کند: «روش‌ها و اقدامات علمی مختلفی برای از بین بردن زباله‌های جامد وجود دارد که دفن بهداشتی، کمپوست و سوزاندن از متداول‌ترین آنهاست، اما هریک به تنهایی پاسخگو نیست و در کنار یکدیگر مفهوم پیدا می‌کنند، به عنوان مثال تمام زباله‌ها از جمله نخاله‌ها و باتوجه به اینکه تفکیک صورت نمی‌گیرد، ملغمه‌ای از آلودگی‌ها در شیرابه وجود دارد که امحا با روش‌های عادی امکانپذیر نیست، چون شیرابه پیچیده می‌شود و باید تعدد روش‌های غامض را برای امحای شیرابه‌ای که پیرشده و نوع آلودگی‌های آن فراوان است به کار گرفت و این هزینه کار را بالا می‌برد. مگر آنکه زنجیره صنایع تبدیلی را فعال کنیم، اما چون فضاهای آپارتمانی عمدتا کوچک است، شهروندان نمی‌توانند تفکیک و بازیافت را انجام دهند و به سرعت زباله را از منزل خارج و درانتها، شهرداری جمع‌آوری کرده و تصفیه کنندگان پسماند با شیرابه‌ای مواجه می‌شوند که همه نوع آلودگی را دارا است.»

هر زباله‌ای را نمی‌توان سوزاند

وی در بخش دیگری از اظهاراتش به بیان مشکلات موجود در رابطه با زباله سوزها پرداخته و می‌گوید: «این تکنولوژی در کل دنیا پذیرفته شده است و هرگز مخالفتی با این نوع تکنولوژی ندارم اما هر زباله‌ای را نمی‌توان سوزاند. ممکن است در حال حاضر چندین میلیارد تن در سراوان زباله وجود داشته باشد، برای این وضعیت چه باید کرد؟ این زباله‌ها سال‌هاست که ادغام شده و نمی‌توانید تفکیک کنید. یکی از مشکلاتی که در رابطه با زباله سوزها وجود دارد صرف نظر از هزینه‌هایی است که برای آنها در نظر گرفته می‌شود، مردم ولی اگر زمان زیادی را از دست بدهید، این تومور بزرگ شده و درمان پیچیده خواهد بود. در مورد شیرابه نیز به همین صورت است. در این میان فاکتوری به نام سن شیرابه هم مطرح است و هرچه جوانتر باشد، تصفیه‌پذیری آن راحت‌تر است و هزینه کمتری را می‌طلبد اما هرچه سن آن بیشتر باشد، تصفیه‌پذیری بسیار هزینه‌بر است. نکته بعدی اینکه تفکیک خیلی کم انجام می‌شود، ماهمه زباله‌هایمان را دریک جایی به نام مکان دفن ادغام کرده و شیرابه حاصل می‌شود. این زباله‌ها ممکن است مربوط به مراکز درمانی باشد و براثر وقوع تخلف، امحا و بی خطرسازی نشده باشند و یا زباله‌های الکترونیکی که حاوی فلزات سنگین خطرناکی هستند و باتوجه به اینکه تفکیک صورت نمی‌گیرد، ملغمه‌ای از آلودگی‌ها در شیرابه وجود دارد که امحا با روش‌های عادی امکانپذیر نیست، چون شیرابه پیچیده می‌شود و باید تعدد روش‌های غامض را برای امحای شیرابه‌ای که پیرشده و نوع آلودگی‌های آن فراوان است به کار گرفت و این هزینه کار را بالا می‌برد. مگر آنکه زنجیره صنایع تبدیلی را فعال کنیم، اما چون فضاهای آپارتمانی عمدتا کوچک است، شهروندان نمی‌توانند تفکیک و بازیافت را انجام دهند و به سرعت زباله را از منزل خارج و درانتها، شهرداری جمع‌آوری کرده و تصفیه کنندگان پسماند با شیرابه‌ای مواجه می‌شوند که همه نوع آلودگی را دارا است.»

ملغمه‌ای از آلودگی‌ها در شیرابه و پیچیدگی امحا

این عضو هیئت علمی دانشگاه، با اشاره به شیرابه‌ها و فرآیند تصفیه‌پذیری آن می‌گوید: «براثر فرسودگی پسماند، رطوبت آبی حاصل می‌شود که این آب در واقع شیرابه است و در زمان تولید، قابلیت تصفیه‌پذیری آن راحت‌تر است و هرچه زمان نه غیراصولی به گونه‌ای که فقط اسمش استفاده از فناوری باشد. دوم این که به صورت تلفیقی از فناوری استفاده شود و سوم این که حتما نگاه ویژه‌ای به بخش تفکیک زباله از مبدأ هم داشته باشیم.»

عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل راهکاری که برای حل مشکل زباله در شهرهای شمالی کشور ارائه می‌دهد، اقدامی هماهنگ در قالب طرحی ملی است و در این زمینه توضیح می‌دهد: «اقدام هماهنگ و منسجم و به دور از نگرش سلیقه‌ای می‌تواند در مسئله مدیریت پسماند راهگشا باشد. شهرداری‌ها موضعی تصمیم‌گیری کرده و عمل می‌کنند و هر شهری سیستمی را برای امحا در نظر می‌گیرد، درحالی که نباید اینطور باشد. باید یک نهاد مشخص، به عنوان متولی امر انتخاب و به صورت یکپارچه عمل کند. اساسا معتقد به فرآیند تفکیک هستم منتها تفکیک را باید از نهادهای مختلف مردم نهاد همانند آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها و رستوران‌ها آغاز کرد. به عنوان مثال زباله‌های مراکز آموزشی ارزشمند و قابل بازیافت است و عمدتا نوع آن مواد کنسروی و یا کاغذی و پلاستیکی است. به عنوان مثال یک شهر ممکن است مراکز آموزشی بیشتر و شهری دیگر امکانات توریستی و تفریحی بیشتری داشته باشد، بر این اساس باید الگوی جمع‌آوری و دفن پسماند در شهرها و استان‌های مختلف متفاوت باشد. ما در برخی شهرها نوار ساحلی داریم و اگر از فرآیند دفن استفاده کنیم، باتوجه به نفوذپذیری خاک، شیرابه‌ها به داخل دریا نشت می‌کند. پس باید یک نهاد مشخص به شکل متمرکز، سیاستگذاری را در پلتفرم‌های مختلف، متناسب با هر شهری ابلاغ کند، آن گاه نتیجه بهتری حاصل می‌شود.»

پروژه‌هایی که متصل به چشم‌انداز و استراتژی نیستند

پسماند در شمال کشور به یک چالش تبدیل شده، معضلی که همچنان اندر خم وعده‌هاست و در این میان، مسئله سراوان نمودی از بحران بزرگ و جدی مدیریت پسماند در استان گیلان است که به علت بی تدبیری، کوتاهی‌ها و سهل انگاری‌های مدیریتی به یک کوه ۹۰ الی ۱۱۰ متری درآمده است. اگرچه دولت سیزدهم اعتبارات خوبی را به این بخش اختصاص داده و رئیس جمهور به استاندار گیلان مأموریت داده تا با به کارگیری تمام ظرفیت‌های ملی و استانی نسبت به حل معضل چهل ساله سراوان اقدام کند اما صاحب‌نظران می‌گویند، این مشکل جزباتحولی در مسئله مدیریت پسماند و ساماندهی آن از مبدا امکانپذیر نیست.

نرگس آذری، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی و مدیر سابق میز محیط زیست و شهری مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری که به همراه تیمی در سال ۹۸ بر روی این سایت و مشکل پسماند در گیلان تحقیق کرده، به «رسالت» می‌گوید: «ما در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در سال ۹۸ گزارشی تهیه و مطرح کردیم که در مسئله مدیریت پسماند باید نفع جامعه مدنی و محیط زیست را در نظر گرفت و به عبارتی با مدلی اجتماعی کار را پیش برد و به جای پیاده سازی طرح‌های هزینه‌بر، تحولی در سیستم مدیریت پسماند ایجاد کرد. ساماندهی پسماند ادبیاتی جهانی دارد. برمبنای این ادبیات بخش عمده زباله مربوط به بخش خانگی است که باید در مبدا مدیریت شود و مادامی که تفکیک در مبدا و مقصد انجام نشود، هیچ کار دیگری نمی‌توان انجام داد. حال اینکه تفکیک در استان گیلان به دو درصد هم نمی‌رسد و همین دو درصد، تفکیک در مقصد است که در این شرایط هزینه و کارآمدی هر پروژه‌ای بالاتر می‌رود. در مبدا هیچ مسئولیتی متوجه شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و شهروندان نیست و ناگهان در مقصد دچار معضل بزرگ می‌شویم که علیرغم صرف بودجه‌های کلان حل نمی‌شود. زباله تفکیک نشده هر نوع تاسیسات مدیریت پسماند را هم از کار می‌اندازد. مسئله سراوان نمودی از بحران جدی پسماند است که مدیریتی بر آن حاکم نیست. موضوعی که موجب شده پروژه‌های متعددی مطرح شود و با توجه به حساسیت ایجاد شده، بودجه‌های کلانی به این پروژه‌ها اختصاص یافته است، اما هیچ یک مشکل پسماند را حل نکرده است، چراکه متصل به چشم‌انداز و استراتژی نیستند و در واقع نتیجه و هدفی را هم محقق نخواهند کرد. ضمن آنکه برنامه دقیقی برای چگونگی مدیریت پسماند وجود ندارد و حتی اولویت‌ها در این حوزه نامشخص است. مسئولان ذیربط نمی‌دانند زباله‌ها را بسوزانند یا بازیافت کنند و یا چند درصد زباله‌ها باارزش است و چند درصد بی‌ارزش و در برابر این موارد اطلاعات و پاسخ روشنی ندارند.»

آذری، ایده راه‌اندازی زباله‌سوز را هم چاره‌ساز ندانسته و بیان می‌کند: «۷۰ درصد زباله مخلوط تر است و چطور زباله‌سوز می‌تواند این حجم را بسوزاند؟ زباله‌سوز مخلوط سوز، آنطور که مطرح می‌شود نمی‌تواند مخلوط بسوزاند. باید انرژی خرج آن کرد و بعد تصفیه، دود و خاکستر نهایی را با هزینه هنگفت پذیرفت که عملا برای این حجم از زباله عملی نیست. بنابراین زباله‌سوز تبدیل به معضل دیگری می‌شود. مدیران ما در این زمینه ژاپن را مثال می‌زنند که توانسته با استفاده از دستگاه‌های زباله‌سوز مشکل را حل کند. اما در این کشور آموزش‌های مدیریت پسماند از مبدا وجود دارد و معمولا از شهر کوچکی در این کشور نام می‌برند که در آنجا ۲۷ نوع آیتم زباله در خانه‌ها تفکیک می‌شود. در حالی که ما اگر بخواهیم در بهترین حالت تفکیک کنیم، چهار مورد است. از طرفی باید به این موضوع توجه کرد که چرا زباله‌سوزی که در نوشهر احداث شده نتوانسته مسئله زباله مازندران را حل کند؟ زباله‌سوزیک فناوری است و در چرخه نهایی مدیریت پسماند می‌تواند موثر باشد. با این حال برخی از مسئولان آنچنان مجذوب این فناوری شده‌اند که گویی عصای جادویی است. اگر زباله‌سوز نوشهر مسئله زباله‌های مازندران را حل کرده، مسئله گیلان را هم حل می‌کند! بودجه‌های کلان و پول پاشی چاره‌کار نیست و تنها کسانی که از معضل پسماند سود کرده‌اند، پیمانکاران هستند و مادامی که وضعیت به همین ترتیب است وعده‌ای به دنبال تعریف پروژه و سودآوری مادی هستند، اتفاق مثبتی رخ نمی‌دهد. پروژه‌های زیادی با بودجه‌های کلان اجرایی شده و آمارها نشان می‌دهد این پروژه‌ها در حال پیشرفت هستند، اما شروع به کار نکرده‌اند. پس از آنکه تصفیه‌خانه‌ای در سراوان تأسیس و به دلیل رانش زمین زیرزباله‌ها دفن شد، تصفیه‌خانه دیگری ساختند و با اینکه افتتاح شد اما هیچ‌گاه شروع به کار نکرد.»

پیوسته وعده می‌دهند مسئله سراوان حل می‌شود، حال اینکه سراوان نمود وضعیتی است که در آن برای مدیریت پسماند گیلان هیچ برنامه‌ای وجود ندارد و فقط پسماندها به هر شکلی و با هر حجمی از همه شهرستان‌ها به آنجا روانه می‌شود. مدیر سابق میز محیط زیست و شهری مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری پیش‌تر در گفت‌وگویی با «پیام ما» مطرح کرده بود: «در کوتاه‌مدت باید به سرعت حجم زباله انتقالی به سراوان کاهش یابد. با کاهش حجم پسماند، پوشاندن سطح آن به وسیله ماسه و شن هم ممکن می‌شود و آلودگی و بوی ناشی از آن کنترل می‌شود. در این شرایط شیرابه هم قابل کنترل است. در میان‌مدت باید این مکان را به لندفیل درستی تبدیل کرد که مدیریت اصولی داشته باشد. در طولانی مدت هم باید به سمت برنامه‌ریزی جدید رفت و مدیریت محلی کوچک‌مقیاس پسماند را در دستور کار قرار داد. در این صورت است که می‌توان امیدوار بود این سایت در آینده جمع شود. سیاست مداران می‌گویند این سایت را تعطیل می‌کنیم اما بدون کاهش حجم پسماند نمی‌توان این کار را عملی کرد. چند ماهه نمی‌توان اثرات مخرب چهل ساله را پوشاند.»

لزوم مدیریت یکپارچه پسماند در استان‌های شمالی

عزیز عباسی، عضو هیئت علمی دانشگاه نوشیروانی بابل از دیگر صاحب نظرانی است که در گفت و گو با «رسالت» با تاکید بر اینکه وضعیت پسماند در استان‌های شمالی به مرحله حادی رسیده، عنوان می‌کند: «اهالی روستاهای سراوان و دیگر روستاهای منطقه حدود چهل سال است با کوه زباله روبه‌رو هستند و برای ساماندهی این وضعیت باید فکری کرد، اما این مسئله به سادگی حل نمی‌شود، چراکه مستلزم صرف زمان و تدوین برنامه‌های بلندمدت از سوی تیم‌های تخصصی است. به این موضوع هم باید توجه کرد که شهرداری‌ها هیچ دانش تخصصی‌ای در این حوزه ندارند و نمی‌توان کار کمپوست، زباله‌سوز و اقدامات تخصصی را از مجموعه‌ای درخواست کرد که ماموریتش موارد دیگری است و از طرفی مسئله آنقدر وخیم شده که هیچ کس قبول مسئولیت نمی‌کند.»

این عضو هیئت علمی دانشگاه با اذعان براینکه چالش پسماند در استان‌های شمالی با روش موجود حل نخواهد شد، می‌گوید: «سال‌هاست این ماجرا ادامه دارد. در چند دهه قبل حجم پسماند و زباله‌های پلاستیکی به این میزان نبود و هرچند سال یکبار جذب می‌شد، اما اکنون نوع زباله عوض شده و باتوجه به افزایش رفاه شهروندان و گسترش جمعیت ساکن و شناور، میزان تولید زباله به ازای هر نفر افزایش یافته است. نوروز امسال به یکباره ۲۰ میلیون نفر وارد مازندران شدند و به شدت زباله تولید کردند. سال‌هاست حجم عظیم زباله، مشکلاتی را برای استان‌های شمالی پدید آورده و از زیر بار جاله‌ای رادر جنگل حفر کرده و زباله را درون آن می‌ریزند و بسیاری از محل‌های دفن زباله در دل زمین‌های کشاورزی حاصلخیز جنگل‌ها و کنار رودخانه‌ها و دریا قرار دارد که باعث تخریب پوشش سبز و ایجاد آلودگی در آب‌های سطحی و زیرزمینی شده و انواع و اقسام بیماری‌ها را بوجود آورده است. بالاترین نرخ سرطان‌های معده وروده متعلق به استان‌های شمالی و به طور خاص مازندران است. آلودگی پیداد می‌کند که ریشه آن همین شیرابه‌ها و فاضلاب‌هاست. بنابراین صحت و سلامت مردم به شدت در معرض خطر است. با این وجود بررسی‌های مانشان می‌دهد، استانداری‌ها برای مسئله پسماند قبول مسئولیت نمی‌کنند. چطور می‌توانیم انتظار داشته باشیم شهری در کنار ساحل، تصمیمی را در حوزه مدیریت پسماند به تنهایی اتخاذ کند و هیچ کارگروهی هم در استان به مسئولان این شهر کمک ذهنی ندهد. استانداری‌ها می‌گویند مسئولیت برعهده شهرداری‌هاست درحالی که شهرداری‌ها ارگان تخصصی نیست و دانشی در مورد زباله سوز، کمپوست، لندفیل و مدیریت پسماند ندارد. شهرهای شمالی نمی‌توانند به صورت مجزا این مسئله را ساماندهی کنند، بلکه باید به شکل یکپارچه و ملی زیر نظر وزارت کشور با حضور نهادی تخصصی این معضل را به صورت شفاف حل کرد.»

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۲۰۰۱۶۷۶ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم غلامرضا کبری قولنامه ای مقدار ۸۳۶۰ مترمربع و مقدار سند مشاعی ۱۲۰۰۰ مترمربع محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی دارند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده روز به اداره ثبت اسناد و املاک کلاله تسلیم و رسید اخذ نمایند. در صورت انقضاء مدت مزبور و عدم وصول و یا خواهی سند مفروزی مزبور پس از طی کردن تشریفات قانونی صادر و تسلیم خواهد شد. ضمنا صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

بهمن سارلی

رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۲۰۰۱۶۷۸ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم غلامرضا کبری قولنامه ای مقدار ۸۳۶۰ مترمربع و مقدار سند مشاعی ۱۲۰۰۰ متر مربع محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی دارند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده روز به اداره ثبت اسناد و املاک کلاله تسلیم و رسید اخذ نمایند. در صورت انقضاء مدت مزبور و عدم وصول و یا خواهی سند مفروزی مزبور پس از طی کردن تشریفات قانونی صادر و تسلیم خواهد شد. ضمنا صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۱ شماره آگهی: ۱۵۸۴۵۳۳

سید مهدی موسوی

معاون مدیرکل و سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بروجرد

==========

آگهی قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف

رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۳۷۴ مورخ ۱۴۰۲/۶/۱۹ هیئت قانون تعیین تکلیف اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بندرگز در خصوص کلاسه پرونده ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۹۰۰۰۰۳۸ شنداغلی یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۴۵۶ فرعی از ۴- اصلی به مساحت ۲۴۳۵ مترمربع واقع در اراضی نوکنده بخش ۲ حوزه ثبتی بندرگز ، ملکی آقای موسی منوچهری فرزند شفیع به کد ملی ۲۲۴۹۶۵۶۱۳۴ که از مالک رسمی خانم معصومه منوچهری نوکنده خریداری کرده است.

چنانچه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی ادعا یا اعتراضی نسبت به اصل ، حدود و حقوق ارتفاقی دارند می توانند ظرف مدت ۲ ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک بندرگز اعلام کنند و از تاریخ اعتراض به دادگاه صالح قضایی دادخواست تقدیم نمایند و ظرف مدت یک ماه گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک بندرگز تقدیم نمایند در غیر اینصورت سند مالکیت جدید به نام متقاضی ثبت صادر خواهد شد. ضمناً صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه معترض و متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۸/۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۱۸

م.الف: ۳۰۵

محمدفندرسکی- سرپرست اداره اسناد و املاک بندرگز

==========

آگهی تحدید حدود اعیانی های سه ماهه اول سال ۱۴۰۲

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بندرگز در اجرای ماده ۱۲ قانون ثبت و مواد ۵۲، ۵۹ و ۶۷ آئین نامه قانون ثبت جهت اطلاع عموم بشرح ذیل اعلام میگردد:

۱- شنداغلی اعیانی یک باب خانه با محوطه محصور بمساحت ۶۴۶ مترمربع دارای پلاک ۴۸۷۷ - اصلی ، واقع در بندرگز بخش یک حوزه ثبتی ، ملکی زینب سلطانی استرآبادی فرزند قربانعلی دارای کد ملی ۲۲۴۸۹۲۱۰۵۵

۲- شنداغلی اعیانی یک باب خانه با محوطه محصور بمساحت ۱۷۰،۱۰ مترمربع دارای پلاک ۴۸۸۰ - اصلی در بندرگز بخش یک حوزه ثبتی بندرگز ملکی مهدی ریاحی فرزند رمضانعلی کد ملی ۲۲۴۹۸۳۷۰۵۸

۳- شنداغلی اعیانی یک باب خانه با محوطه محصور بمساحت ۲۰۵/۷۸ مترمربع دارای پلاک ۴۸۸۱ - اصلی در بندرگز بخش یک حوزه ثبتی بندرگز ملکی نعمت اله کردرستمی فرزند ابوالقاسم دارای کد ملی ۲۲۴۹۷۲۱۶۵۳

۴- شنداغلی اعیانی یک باب خانه با محوطه محصور بمساحت ۱۴/۱۷ مترمربع دارای پلاک ۴۸۸۲ - اصلی در بندرگز بخش یک حوزه ثبتی بندرگز ملکی حسین لطیف فرزند ابوالحسن دارای کد ملی ۲۲۵۹۷۵۸۱۱۸

۵- شنداغلی اعیانی یک باب خانه با محوطه محصور بمساحت ۸۱۶ مترمربع دارای پلاک ۴۸۸۴ - اصلی در بندرگز بخش یک حوزه ثبتی بندرگز ملکی علی خداوندگاری فرزند حسن دارای کد ملی ۲۲۴۹۵۹۵۰۱۱

۶- شنداغلی اعیانی یک باب خانه با محوطه محصور بمساحت ۲۲۱/۶۱ مترمربع دارای پلاک ۴۸۸۸ - اصلی در بندرگز بخش یک حوزه ثبتی بندرگز ملکی سید جعفر حسینی فرزند سید علی دارای کد ملی ۲۲۴۹۷۱۷۴۵۱

۷- شنداغلی اعیانی یک باب خانه با محوطه محصور بمساحت ۲۳۶/۷۰ مترمربع دارای پلاک ۴۸۸۶ - اصلی در بندرگز بخش یک حوزه ثبتی بندرگز ملکی محمد حسین الوارزندی فرزند محمد تقی دارای کد ملی ۰۷۲۰۷۹۶۷۰۹

۸- شنداغلی اعیانی یک باب خانه با محوطه محصور بمساحت ۱۵۷/۲۵ مترمربع دارای پلاک ۴۸۸۷ - اصلی در بندرگز بخش یک حوزه ثبتی بندرگز ملکی خانم آذر جهانشاهی فرزند اسحق دارای کد ملی ۰۰۸۳۱۲۰۹۰۴

۹- شنداغلی اعیانی یک باب خانه با محوطه محصور بمساحت ۱۹۸/۸۷ مترمربع دارای پلاک ۴۸۸۵ - اصلی در بندرگز بخش یک حوزه ثبتی بندرگز ملکی عبدالعلی ریاحی فرزند رمضانعلی دارای کد ملی ۲۱۸۰۸۹۳۷۴۴

۱۰- شنداغلی اعیانی یک باب خانه با محوطه محصور بمساحت ۱۹۷/۶۱ مترمربع دارای پلاک ۴۸۹۰ - اصلی در بندرگز بخش یک حوزه ثبتی بندرگز ملکی خانم آسیه مازینی فرزند جعفر دارای کد ملی ۲۲۴۹۷۱۰۲۰۱

۱۱- شنداغلی اعیانی یک باب خانه با محوطه محصور بمساحت ۲۴۰/۳۸ مترمربع دارای پلاک ۴۸۹۱ - اصلی در بندرگز بخش یک حوزه ثبتی بندرگز ملکی مصطفی بائی فرزند فیروز دارای کد ملی ۲۲۴۹۸۳۰۱۸۵

۱۲- شنداغلی اعیانی یک باب خانه با محوطه محصور بمساحت ۲۴۰ مترمربع دارای پلاک ۴۸۹۳ - اصلی در بندرگز بخش یک حوزه ثبتی بندرگز ملکی مصطفی میرزایی فرزند عبدالصمد دارای کد ملی ۲۲۴۰۱۶۸۵۲۸

۱۳- شنداغلی اعیانی یک باب خانه با محوطه محصور بمساحت ۳۱۱/۴۰ مترمربع دارای پلاک ۴۸۹۲ - اصلی در بندرگز بخش یک حوزه ثبتی بندرگز ملکی خانم خانون عراقی نژاد فرزند رشید دارای کد ملی ۲۲۴۹۷۲۸۸۲۱

فلذا چنانچه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و مجاورین اعتراضی نسبت به اصل ، حدود یا حقوق ارتفاقی دارند میتوانند به مدت یکماه از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت شهرستان بندرگز تسلیم ه نمایند و از تاریخ اعتراض به مدت یکماه فرصت دارند دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نموده و گواهی آن را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بندرگز تسلیم نمایند ، در غیر اینصورت عملیات ثبتی به نام مستدعی ثبت ادامه پیدا خواهد کرد. ضمنا صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ تحدید حدود: ۱۴۰۲/۸/۲۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۸/۱ م.الف: ۲۹۲

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۲۰۰۱۶۴۴ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم آرزو تهمتن فرزند ابراهیم بشماره شناسنامه ۱۰۳ صادره از در دودانگ مشاع از شنداغلی عرصه و اعیان یک قطعه زمین به مساحت ۲۹،۳۸ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۳۰ فرعی از ۲۱۲- اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاله خریداری از مالک رسمی آقای / خانم عطاخان عطایی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده روز به اداره ثبت اسناد و املاک کلاله تسلیم و رسید اخذ نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۱۰۳۸۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

بهمن سارلی

رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله

==========

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۲

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳- آیین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند دردو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:

۱- رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۲۰۵۱ پرونده کلاسه ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۳۱۱ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای ابوالفضل وطنی فرزند امین اله به شماره شناسنامه ۱۲ دائربر صدور سند مالکیت نسبت به شنداغلی یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۲۷۲/۸۶ مترمربع در قسمتی از پلاک های شماره ۲۶۷ و ۳۱۵ و ۲۸۳ و ۲۹۱ و ۳۲۴ و ۳۱۷ فرعی همگی از ۲- اصلی واقع در گلستان بخش ۷ حوزه ثبتی ملک رامیان که انتقال ملک بلاواسطه از مالک رسمی(آقای مصیب گیلکی) و مع الواسطه از مالکین رسمی برابر کد ۹۷۷ مجموعه بخشنامه های ثبتی (آقایان سیدرضا حسینی وعباس جهانتیغ وعید محمد چوری و محمدحسین برزمینی و محمد های سعیدی و رنوسفادرانی).

درصورتی که اشخاص ذی نفع به